

پرولتاریا و انقلاب

مقاله ی «پرولتاریا و انقلاب» توسط لئون تروتسکی در سال ۱۹۰۴ درست یک سال بعد از آغاز جنگ روسیه و ژاپن و چندین ماه قبل از انقلاب ۱۹۰۵ نوشته شده است. لئون تروتسکی این مقاله ی را در نود سال پیش نوشت.

"... آتمسفر خیابان های ما دیگر آتمسفر آرامش آمیخته به یأس نیست. بلکه آتمسفر نارضایتی متراکمی که در جستجوی راهی برای تبدیل شدن به عمل انقلابی می باشد. امروز هر عمل پیشگامان کارگری ما نه تنها ذخائر انقلابی عظیمی به همراه خواهد داشت بلکه هزاران و حتی صدها هزار نفر را به انقلاب جلب خواهد کرد. این بسیج، برخلاف بسیج های دولت، همبستگی و همکاری فعال اکثریت عظیم مردم را به همراه خواهد داشت... در چنین شرایطی است که پرولتاریا وارد خیابان ها خواهد شد، در آتمسفر همبستگی وسیع توده ها، در مقابل حکومتی که مورد نفرت همگانی است، حکومتی که تمام برنامه هایش، چه بزرگ و چه کوچک، با شکست روبرو شده، حکومتی که در خشکی و دریا شکست خورده، تحقیر شده، مأیوس شده، حکومتی که امیدی به روزهای آتی ندارد و مذبحخانه دست و پا می زند، چاپلوسی می کند، تحریک می کند، عقب نشینی می کند، دروغ می گوید و افشاء می شود، بی ملاحظه و وحشت زده است. پرولتاریا در مقابل ارتشی وارد مبارزه می شود که جریان جنگ روحیه اش را متلاشی کرده، انرژی، شهامت، شور و قهرمانی اش با سد غیرقابل عبور هرج و مرج تشکیلات دولتی و ارتشی تصادم کرده، ارتشی که ایمانش به امنیت خدشه ناپذیر رژیم که به آن خدمت

می کند از دست رفته، ارتشی که شدیداً ناراضی و پُر از شکوه است. ارتشی که در طی سال گذشته بیش از یک بار خود را از چنگال انضباط رها کرده و با اشتیاق به غرش صدهای انقلاب گوش می دهد. آری در چنین آتمسفری است که پرولتاریا به خیابان می آید. به نظر می رسد در تاریخ شرایطی بهتر از این برای حمله ی نهائی وجود نداشته است. تاریخ آن چه را که به طور خودانگیخته فراهم شدنی است فراهم کرده است. بقیه برعهده ی نیروهای آگاه انقلابی است. انبوه عظیمی انرژی انقلابی انباشته شده است. این انرژی نباید بیهوده به هدر رود. نباید بدون انسجام و بی برنامه در تصادم ها و مبارزات پراکنده به هدر رود. باید برای تمرکز دادن نارضایتی، عصبانیت، اعتراض، خشم و نفرت توده ها آن چه را که در قدرت داریم انجام دهیم. باید برای متحد کردن، مستحکم کردن و دادن یک زبان و هدف واحد به توده های مردم تمام کوشش خود را بکنیم. باید به آن ها بفهمانیم که منفرد و تنها نیستند، که توده های بی شماری در یک زمان و با یک شعار و هدف، در همه جا در حال سربرآوردند. اگر این فهمیده شود نیمی از انقلاب انجام شده است. می باید تمام نیروهای انقلابی را به عمل متحد و واحد فرا بخوانیم. چگونه می توانیم این کار را بکنیم. ابتدا باید به خاطر بسپاریم که صحنه ی اصلی رویدادهای انقلابی به ناچار شهرها خواهد بود. کسی این را انکار نخواهد کرد. به علاوه واضح است که تظاهرات خیابانی فقط در صورتی می توانند تبدیل به انقلاب توده ای شوند که تجلی قدرت توده ها باشند. یعنی وقتی که قبل از هر چیز کارگران کارخانه ها و کارگاه ها را دربر بگیرند. پس به طور کلی برنامه ی عمل ما چنین است. از کارگران بخوایم ماشین ها و محل کارخانه ها را ترک کنند، به خیابان ها بروند، به کارخانه ی مجاور بروند و خواهان متوقف شدن

کار در آن جا شوند، سایر توده ها را به خیابان ها بکشانند. و بدین ترتیب با تعداد روزافزونشان از کارخانه ای به کارخانه ی دیگر و از کارگاهی به کارگاه دیگر بروند. پلیس و سنگرگاه هایش را جاروب کنند، توده هائی را که به خیابان های شلوغ شده می آیند به خود جلب کنند. عمارت مناسب برای تشکیل اجتماعات را تصاحب کنند، و دفاع از آن ها را سازمان دهند. به طور مداوم جلسات انقلابی تشکیل دهند. در جنبش توده ها نظم و ترتیب برقرار کنند. روحیه ی آن ها را تقویت کنند، اهداف و مفهوم رویدادها را برایشان توضیح دهند. و بالاخره تمام شهر را تبدیل به یک اردوگاه واحد انقلابی سازند. زمان اعتصاب را ساده تر از زمان تظاهرات مردم، می توان معین کرد. درست همان طور که به حرکت درآوردن توده های حاضر به مبارزه از سازمان دادن توده های جدید ساده تر است. ولی یک اعتصاب سیاسی، یعنی یک اعتصاب عمومی سیاسی در سراسر روسیه و نه یک اعتصاب محلی...."

تهیه و تنظیم بیژن سلطان زاده

منبع: دفترهای کارگری سوسیالیستی شماره ی ۲۸ ژوئیه ی ۱۹۹۵

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۶